

متن پرسش

باسمه تعالی. سلام: استادام در سخنرانی جدید دکتر داوری تحت عنوان در طلب فرهنگ فرمودند که در مشروطه خواستیم با تحمیل و بدون پشتوانه فرهنگ وارد نظام مدرن اداره جامعه شویم سوالم از حضرتعالی این است که عبور نظام از شاهنشاهی به نظامی دارای سه قوه چه فرهنگی را طلب می کند مردم باید در چه فضایی قرار می گرفتند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که استاد در آن سخنرانی فرمودند باید در وجود مردم تغییری مناسب روح مشروطه پدید می آمد. آری! مردم برای آن که خود را آزاد ببابند به دموکراسی و انتخابات روی خوش نشان دادند ولی نظم جدید در جامعه آن ها برقرار نشد. کشور به کسانی نیاز داشت که به وضع جدید و نظم جدید آشنا باشند. آموزگان نظم جدید، متفکران و شاعران بودند ولی ما در کشورمان می خواستیم با سیاست به سوی نظم جدید برویم و همچنان که استاد فرمودند این امر دشواری بود. می خواستیم سیاست غربی را از غرب بیاوریم و مشروطه را به عنوان یک حادثه سیاسی در کشور پیاده کنیم، غافل از آن که فرهنگ در زندگی جدید به عنوان نظم عقلی جدید، بی تذکر نسبت به گذشته و وضع کنونی خود محقق نمی شود.

استاد فرمودند در شرایطی هستیم که تنها با عشق و راستی و دوستی می توان از مسائل مان عبور کنیم زیرا وقتی چراغ عشق بی فروغ شود، کینه و دروغ جای آن می نشیند.

عشق به حقیقت کجا و علم و پژوهش کجا؟ فرهنگ و خردی که با غرب زدگی جای عشق و دوستی نشست، کار را به این جا کشاند و گرنه می توانستیم از امکانات خود در بستر عشق و دوستی در جهان جدید حاضر شویم. در مشروطه، سیاست از پشتوانه فرهنگ محروم بود و امروز نیز مشکل ما ریشه در نداشتن فهم درست از اکنون و گذشته و آینده است. بنده از سخنان استاد این طور فهمیدم؛ باید چشم به مقصدی که با انقلاب اسلامی شروع شده است بدوزیم و نقطه شروع خود را با درک امکانات موجودمان به سوی او شروع کنیم. جلوه های روح بزرگ ایران، حکمت و شعر و ادب است و این یعنی حکمت باید بگوید چه کار باید کرد و علم آن کار را برای ما شکل بدهد.